

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: تاریخ اسلام

عنوان:

# فعالیت‌های آموزشی شیعیان در شمال ایران از قرن هفتم تا دهم هجری (از سقوط بغداد تا ظهور صفویه)

استاد راهنما:

**جناب آقای دکتر الویری**

استاد مشاور:

**سرکار خانم دکتر امیری**

دانشجو:

**معصومه جمشیدی کوهساری**

## شهریورماه 1391

## تقدیم

به قطب عالم امکان صاحب الزمان(عج) و اهل بیت علیهم السلام و ولی نعمت‌مان ثامن الحجج(ع) و خواهر بزرگوارش کریمه اهل بیت(س) که از خوان نعمت او فیض می بریم.

## تقدیر

تقدیر از ایزد منان که نعمت سلامتی و علم آموزی را به من ارزانی کرد و از پدر فاضل و ارجمندم حجت الاسلام و المسلمین جمشیدی و مادر فداکارم که همواره در تمام مراحل زندگی مشوق و حامی ام بودند و نیز همسر و فرزندانم که سختی‌های ایام تحصیل مرا صبورانه تحمل نمودند. و نیز تشکر از تمامی معلمان و اساتیدم از ابتدای ایام تحصیلم، بخصوص اساتید دانشگاه باقرالعلوم(ع).

و تقدیر ویژه از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر الویری که راهنمایی‌هایشان گره گشای راه اینجانب بود. و استاد محترم مشاور سرکار خانم دکتر امیری که به عنوان استاد مشاور و دوستی دلسوز در کنارمان بودند. همچنین از مدیر محترم گروه تاریخ اسلام جناب آقای دکتر ایزدی که زحمت داوری این رساله را به عهده گرفتند، سپاسگزارم.

## چکیده

موضوعی که در این پژوهش بدان پرداخته می شود، فعالیتهای آموزشی شیعیان در شمال ایران از قرن هفتم تا دهم هجری (سقوط بغداد تا ظهور صفویه) است. فاصله زمانی حساسی که با استیلای مغولان کافر آغاز و با برآمدن شیعیان به پایان می رسد. قوم وحشی مغول به سرعت جذب فرهنگ غنی اسلام شدند و بعد از حضور آنها و در پرتو قدرتشان با اقداماتی که انجام دادند موجبات رشد فرهنگ و آموزش فراهم شد. یکی از این نموده‌ها، رشد فعالیتهای آموزشی می باشد که در قالب مدارس، مکتب خانه‌ها، مساجد و غیره توسط علمای مختلف و در برخی مناطق و در مقاطعی با حمایت وزرا و سلاطین صورت می گرفت.

بر این اساس پرسش اصلی تحقیق این است که: «دامنه و ابعاد فعالیتهای آموزشی شیعیان در شمال ایران در دوره زمانی 656 تا 907 ه.ق چه بوده است؟»

برای رسیدن به پاسخ این پرسش منابع مختلفی مانند کتب رجالی چون «طبقات» و «الذریعه» آقابزرگ تهرانی، برای بررسی زندگی علما، کتب جغرافیا جهت دستیابی به وضعیت مکانی شمال ایران و دیگر منابع مورد بررسی قرار گرفت و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش متعارف تاریخ‌پژوهی، یافته‌های این مطالعه در چهار فصل به شرح زیر دسته‌بندی شد:

فصل اول کلیات و مفاهیم، فصل دوم (پیشینه تاریخی گیلان و مازندران)، فصل سوم (فعالیتهای آموزشی گیلان و مازندران، قرن هفتم تا دهم) و فصل چهارم (عوامل و زمینه‌های رونق و عدم رونق آموزش در خطه شمال ایران از قرن هفتم تا دهم).

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در این زمان و مکان مورد نظر فعالیت آموزشی مشخصی صورت نگرفته است. هرچند به زمینه علم دوستی مردم این سرزمین با وجود کثرت علما می توان پی برد. علمایی که معمولاً در این خطه نماندند و به علل مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی هجرت کردند تا شمع وجودشان در مناطقی دیگر بدرخشد.

**کلمات کلیدی:** شمال ایران، شیعه، آموزش، علما.

## فهرست مطالب

1	بیان مسأله.....
1	اهمیت و فایده.....
2	سابقه تحقیق.....
2	اهداف تحقیق.....
2	سؤالات اصلی.....
2	سؤالات فرعی.....
3	چارچوب نظری تحقیق.....
3	فرضیه های تحقیق.....
4	فصل اول کلیات و مفاهیم.....
7	1-آموزش:.....
10	تعریف نهاد آموزش.....
13	2- نهاد.....
16	1- 2- نهاد آموزش و پرورش:.....
18	2- 2- کارکردهای نهاد آموزش و پرورش:.....
19	3- نظام:.....

- 4- فعالیت آموزشی: ..... 21
- عناصر اساسی تعلیم و تربیت: ..... 22
- رابطه آموزشگاه با جامعه: ..... 23
- فعالتهای آموزشی در ایران اسلامی ..... 24
- اهمیت علم و دانش در اسلام ..... 25
- شیعه ..... 26
- آغاز پیدایش شیعه و کیفیت آن ..... 27
- مناطق شمالی ایران ..... 30
- بررسی عوامل رونق و عدم رونق فعالیت های آموزشی ..... 30
- 1- جامعه شناسی آموزش و پرورش ..... 33
- 2- رشد آموزش در دوره اسلامی ..... 35
- 1-2- نظریه انتقال علمی و برخورد فرهنگی ..... 35
- 2-2- تأثیرهای روش شناسی معرفت دین ..... 36
- فصل دوم (پیشینه تاریخی گیلان و مازندران) ..... 37
- بخش اول: اوضاع جغرافیایی ..... 38
- جغرافیای طبرستان (مازندران) ..... 38
- وجه تسمیه: ..... 40
- جغرافیای گیلان ..... 41
- جغرافیای گرگان ..... 41
- بخش دوم: محیط تاریخی و اجتماعی ..... 41



- 42 .....اسلام در طبرستان
- 43 .....وضعیت تشیع گیلان و مازندران در زمان ایلخانان
- 44 .....تیموریان در شمال ایران (مازندران)
- 46 .....مغولان در شمال ایران (گیلان)
- 47 .....دورنمای تاریخی گیلان
- 48 .....مذهب مردم گیلان
- 49 .....دیلمان
- 50 .....تأثیرات حمله مغول
- 53 .....شیعه در قرن پنجم تا نهم هجری
- 53 .....اسلام و آموزش همگانی
- 54 .....دوره‌ی آموزشی نظامیه
- 55 .....فراز و فرود
- 57 .....فصل سوم (فعالیت‌های آموزشی گیلان و مازندران، قرن هفتم تا دهم)
- 59 .....مراکز آموزشی در اسلام
- 61 .....مدارس نظامیه
- 63 .....نظامیه آمل طبرستان
- 64 .....مدرسان نظامیه آمل
- 65 .....مدارس
- 65 .....مدرسه بامسی
- 66 .....مدرسه یحیی فقیه

66	مدرسه لنگا.....
67	علما و دانشمندان.....
67	سیدحیدر آملی.....
70	مولانا شیخ حسن کاشی.....
74	اولیاء الله آملی.....
75	سید ظهیر الدین مرعشی.....
77	سید قوام الدین جدّ اعلای سید ظهیرالدین.....
78	خلیل آملی.....
79	خواجه عماد کچیج.....
79	علی رویانی طبرستانی.....
79	شمس آملی.....
81	سید شریف جرجانی.....
82	سید رکن آملی.....
85	عمادالدین طبری.....
86	ابراهیم صدرالدین.....
87	بدر طبری.....
87	عبدالقادر بن حسن رویانی.....
88	حسین رستم‌داری.....
88	حسین تنهیجانی.....
	فصل چهارم (عوامل و زمینه های رونق و عدم رونق آموزش در خطه شمال ایران از قرن هفتم تا
90	دهم).....

91	تعلیم و تربیت.....
92	شاگرد و معلم.....
92	اصول تعلیم و تربیت در ایران آن روزگار.....
93	آموزش.....
94	اسلام و برخورد فرهنگی با سایر ملل.....
95	رویارویی مسلمانان با یکدیگر (اهل حدیث با معتزله).....
96	حضور ایرانیان در تمدن اسلامی.....
98	اوضاع علوم در سده های هفتم و هشتم و نهم هجری.....
99	تأثیر هجوم و استیلای مغول در فرهنگ.....
100	علل افول مدارس شیعی.....
101	الف. عامل سیاسی.....
105	ب. عامل مذهبی.....
106	ج. عامل اقتصادی.....
110	نتیجه گیری.....
114	فهرست منابع.....
123	ضمائم.....

## بیان مسأله

فاصله زمانی سقوط بغداد تا ظهور صفویه -250 سال- به علل مختلف دوران حساسی است. این دوره با استیلای مغولان کافر آغاز و با بر آمدن شیعیان به پایان می‌رسد. قوم وحشی مغول به سرعت جذب فرهنگ غنی اسلام شدند و بعد از حضور آنها و در پرتو قدرتشان با اقدامات ارزنده علمی و با انعطافاتی که در این زمینه داشتند، موجبات رشد فرهنگ و آموزش فراهم شد. البته در آستانه سلطه صفویه ایران شاهد قدرت یافتن چند سلسله حکومتی کوچک و پراکنده (ملوک الطوائفی) بود. در این دوره زمانی ایران اسلامی شاهد رشد و شکوفایی در عرصه های مختلف بوده است. از جمله این فعالیتها، فعالیتهای آموزشی می باشد که در قالب مدارس، مکتب خانه ها، مساجد و غیره و توسط علمای مختلف در برخی مناطق و در مقاطعی با حمایت وزراء و سلاطین صورت می‌گرفت.

در این پژوهش، بررسی ابعاد و انواع فعالیتهای آموزشی شیعی در منطقه شمال کشور شامل گیلان، مازندران و گرگان مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع که به تعلق خاطر بنده به این خطه نیز پیوند می یابد، می تواند در نشان دادن زوایای پنهان از تاریخ تشیع و تاریخ ایران مدد رساند. بر این اساس پرسش اصلی تحقیق عبارتست از: «دامنه و ابعاد فعالیتهای آموزش شیعیان در شمال ایران در دوره زمانی 656 تا 907 چه بوده است؟»

## اهمیت و فایده

در درجه اول از اهمیت و فایده آن می‌توان روشن شدن جنبه آموزش در خطه شمال ایران در دوره زمانی یاد شده دانست. نیز به اهمیت آموزش و پرورش که از بدو تشکیل زندگی گروهی انسان در پاسخ به

نیاز انسانها در روابط متقابل به شکل ابتدایی وجود داشته است و تأثیر آموزش بر جامعه و به تبع آن بر تاریخ آن جامعه. از جهت کاربردی نیز می تواند برای دو طیف مفید باشد: 1- برای کسانی که صرفاً کار آموزش انجام می دهند و به بررسی تاریخ آموزش می پردازند؛ 2- گروهی که کار منطقه ای انجام می دهند و به خصوص در مورد منطقه شمال ایران مطالعاتی دارند. از آنجا که موضوع به نوعی بدیع است باشد که زمینه ساز کارهای عمیق تر و پژوهش های گسترده تر در این زمینه گردد.

### سابقه تحقیق

مطالعات محدود انجام شده در این مدت مرا به این سمت سوق داد که در مورد این دوره زمانی در شمال ایران، پژوهش و کار چندانی صورت نگرفته است. در مورد نوع بخصوص آن یعنی فعالیت آموزشی منابع بسیار محدود و در پاره ای موارد، تنها به ذکر چند تن از علماء و دانشمندان این خطه که برخی در این سرزمین نیز نماندند و هجرت کردند، اکتفا شده است. بیشتر منابع به اوضاع سیاسی پرداخته و کمتر به اوضاع فرهنگی توجه شده است. شاید بتوان یکی از علل این کاستی را نبود منابع دست اول دانست.

### اهداف تحقیق

آشنایی با فعالیتهای فرهنگی و آموزشی طبرستان و بررسی جزئیاتی از تاریخ تشیع (مطالعات جزئی تر و تخصصی تر درباره تشیع)، افزایش و گسترش دامنه مربوط به تعاملات تشیع و ایران، زمینه سازی برای تکمیل مطالعات مربوط به نهاد آموزش و تاریخ اسلام و ایران بویژه در این دوره تاریخی.

### سؤالات اصلی

دامنه و ابعاد فعالیتهای آموزش شیعیان در شمال ایران در دوره زمانی 656 تا 907 چه بوده است؟

### سؤالات فرعی

- 1- نهاد آموزش چیست و نهادهای تشکیل دهنده آن کدام است؟
- 2- از نظر جامعه شناسان آموزش و پرورش و جامعه شناسان علم، عوامل مؤثر بر رونق و عدم رونق آموزش کدامها هستند؟

- 3- پیشینه تاریخی گیلان و مازندران بویژه از منظر آموزش و اوضاع این خطه در محدوده زمانی مورد بحث در این پژوهش چیست؟
- 4- یافته تاریخی درباره فعالیتهای آموزش رایج در گیلان و مازندران در دوره تاریخی مورد نظر چه چیزهایی است؟
- 5- تحلیل یافته‌های تاریخی مذکور در بند قبل بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسان (موضوع بند 2) چه نتایجی را در اختیار ما قرار می‌دهد؟

### چارچوب نظری تحقیق

با توجه به مسائل قابل طرح در این پژوهش، چارچوبی برای آن در نظر گرفته شده و این چارچوب نظریه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌باشد. دوره زمانی مورد بحث از سقوط بغداد آغاز می‌شود. شاید بتوان به نوعی این دو مقوله -فعالیت‌های آموزشی و حمله مغول- را مؤثر بر یکدیگر دانست. می‌توان از نقش اوضاع و شرایط نظام اجتماعی بر آموزش و پرورش و بالعکس استفاده کرد، نیز از نظریه رونق و عدم رونق آموزش و پرورش و علل آن. برای مثال: (1) تأثیر جامعه و جمعیت بر آموزش؛ (2) تأثیر اندیشه‌های مذهبی و روش‌شناسی معرفت دینی؛ (3) انتقال علمی و تعاملات فرهنگی؛ (4) امکانات و تجهیزات و پشتوانه‌های مالی؛ (5) علل عاطفی و روانی.

### فرضیه‌های تحقیق

حسب نظر و پیشنهاد استاد محترم راهنما، از آنجا که تحقیق از نوع اکتشافی است، نیازی به فرضیه ندارد.

## فصل اول

### کلیات و مفاهیم

خداوند متعال انسان را به گونه‌ای آفریده است که فطرتاً کمال گراست و در راه رسیدن به کمال، استعانت از خرد و اندیشه امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. اما سؤال اینجاست که کدام اندیشه است که راه‌گشای اوست؟

پاسخ این است که خرده‌های بارور شده و اندیشه‌های پرورش یافته است که انسان را در مسیر سازندگی تن و روان یاری بخشیده و او را به سرچشمه‌ی نظام هستی پیوند می‌دهد. اما این بالندگی و باروری به خودی خود پدید نمی‌آید و مستلزم تربیت و پرورش و نیرومندسازی است.

آموزش و پرورش می‌تواند فکر و اندیشه آدمی را در مسیر مثبت یا منفی قرار دهد. به طور مثال یک نظام آموزشی و نظام تربیتی می‌تواند انسان را در هبوط معنوی قرار دهد و او را از حقیقت خویش دور سازد (مانند مکاتب ساخته بشر) و یک برنامه تربیتی متعالی می‌تواند اعتلای نفس و بهبود زندگی را برای او به ارمغان بیاورد (مانند ادیان الهی و به طور مشخص اسلام).

ما در رساله حاضر تلاش نمودیم نظام آموزشی شیعیان را که یکی از نظام‌های آموزشی متعالی سرچشمه گرفته از منبع وحی و دین مبین اسلام می‌باشد، معرفی نماییم و آن را در یک برهه‌ی زمانی خاص مورد بررسی قرار دهیم. اما قبل از آنکه وارد این مقوله شویم لازم است که هریک از مفاهیم کلیدی که در این پژوهش آورده می‌شود، به طور دقیق تعریف و مورد بحث قرار گیرد.



به زبان علمی می توان گفت از آنجا که زبان لازمه ارتباط اجتماعی است و چون هر تحقیق حاوی پیامی خاص برای افراد جامعه است، به ناچار از زبان برای انتقال یافته‌هایش سود می‌گیرد و خود محقق نیز به کار پایان ناپذیر مفهوم سازی اقدام می‌کند.

مفهوم سازی (Conceptualization) را باید در زمره‌ی مهمترین تواناییهای انسان به شمار آورد. این توانایی مستلزم دو ویژگی است:

الف) تجرید (Abstraction): انسانها با ملاحظه‌ی اشیاء گوناگون می‌توانند آنها را صورتی انتزاعی بخشند.<sup>۱</sup> انسانها می‌توانند به تجرید یا انتزاع بپردازند. اشیاء را در ذهن مجسم دارند، از شرایط و جای خاص منتزع سازند و توان و ویژگی آنان را بشناسند.

ب) تعمیم: انسانها می‌توانند ویژگیهای یک پدیده را بازیابند و سپس آن را به اشیاء یا پدیده‌هایی که از نظر شکل ظاهر همانند آنان نیستند، تعمیم دهند.

هر تحقیق، مفاهیم خاص خود را فراهم می‌سازد و در نهایت زبانی خاص پدید می‌آورد.<sup>۲</sup>

پس هر مفهومی از هر واقعیت خاص انتزاع دارد (تجرید) و به هر واقعیتی اطلاق می‌شود که دارای صفات مشخص باشد (تعمیم).

پس علی‌رغم دشواری در رسیدن به یک تعریف واحد باید مراد خود را از مفاهیم مورد نظر در پژوهش روشن سازیم. تشریح و تبیین مهمترین مفاهیم کلیدی پژوهش در تحلیل و بررسی موضوع هر پژوهش ضروری است. تشریح این مفاهیم در واقع مبحث نظری و شالوده پژوهش می‌باشد. همچنین بیان مفاهیم و تعریف و تعیین حدود آنها کمک خواهد کرد تا بحث از مسیر اصلی خارج نشود. مفاهیم مورد استفاده در

---

1 - ساروخانی، باقر؛ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، 1372، ج 1، ص 89.

2 - همان، ص 90

این پژوهش عبارتند از: آموزش، نهاد آموزش، نظام آموزش و فعالیت آموزشی که به تعریف هریک از آنها می پردازیم.

## 1- آموزش:

در هر نظام اجتماعی آموزش و پرورش یکی از ارکان اصلی پیشرفت جامعه است. به همین دلیل توسعه و گسترش یا رکود و ایستایی هر تمدنی وابستگی کامل به روش آموزش و پرورش در آن تمدن دارد.<sup>۳</sup>

آموزش و پرورش هر ملت و دینی اگر تمام فرهنگ و تمدن آن ملت و دین را تشکیل ندهد و اساس آن نباشد، وسیله ایجاد قسمت عمده و مهم و از اساسی ترین پایه های فرهنگ و تمدن آن ملت و دین است.

آموزش وسیله ی انتقال موارث کهن فرهنگی، اخلاقی، دینی و عرفانی هر جامعه است. فرهنگ اقوام مختلف بر آموزش صحیح استوار است. هدف از آموزش و پرورش، توسعه ی افکار انسانها و ایجاد ژرف نگری و خلاقیت، خودآگاهی، آزاد اندیشی و تعالی در جامعه است. فرهنگی که با تفکر مبتنی بر فطرت الهی انسان به وسیله آموزش انتقال یابد، به استقرار روابط مطلوب و حسن تفهم و همبستگی فکری و پرورش اندیشه ها و تعالی شخصیت انسان می انجامد. آموزش موجب پرورش شعور اجتماعی در مسئولیت پذیری و آگاهی می گردد.

آموزش، انسانها را آرمان خواه، هدف گرا، مختار و سازنده می سازد. ابرمردان و دانش پروران در تاریخ که موجب پرورش و رشد افکار عمومی جامعه شده اند، ساخته و پرداخته ی فرهنگ هایی هستند که دانش را

---

3 - نخستین، مهدی؛ تاریخ سرچشمه های اسلامی آموزش و پرورش غرب، مترجم عبدالله ظهیری، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1367، پیشگفتار.

با ابزار آموزش و به عنوان میراث یک قوم از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند.<sup>۴</sup> با توجه به اینکه محور بحث ما در حیطه اسلام (و بخصوص تشیع) است، نمی توان دیدگاه اسلام را نادیده گرفت.

با ظهور دین اسلام یکی از موضوعهایی که این دین آسمانی روی آن بسیار تکیه داشت، تعلیم و تعلم بود. در جاهای مختلف قرآن که کلام خداست و نیز احادیث که کلام معصومین علیهم السلام است، به مسأله علم و ارزش آن اشاره شده است. اسلام آن چنان ارزش علم را بالا برد که خداوند در قرآن مجید به قلم و ابزار نوشتن قسم خورده است.<sup>۵</sup> تأسیس جامعه مسلمان به وسیله اسلام بدون تأسیس نظام مستقل آموزش و پرورش امکان پذیر نبود. فرهنگ و تمدن اصیل و عمیق اسلام نمی توانست و نمی تواند بدون داشتن راه و روش بخصوص و متناسبی برای آموزش و پرورش وجود یابد.

اسلام دارای نظامهای مستقل حقوقی، کلامی، اخلاقی و سیاسی مخصوص به خود است که با نظامهای مشابه جوامع و ادیان دیگر کاملاً متفاوت است. پیدایش این نظامها بدون وجود یک نظام مستقل تعلیم و تربیت امکان پذیر نبوده و نیست.<sup>۶</sup>

شاید بتوان این طور گفت که بخشی از فلسفه اسلام، فلسفه آموزش و پرورش است. و چنانچه اشاره شد، بخشی از قرآن نیز به تعلیم و تربیت پرداخته است، همانطور که دیگر مسائل زندگی بشر را در نظر گرفته است. این اهمیت و ارزش تا آنجاست که اسلام برای هر یک از وظایف معلم و متعلم، زمان و مکان آموزش و لزوم نشر علم و دیگر موارد، حدودی را تعیین کرده و این مسائل را بی هدف رها نکرده است.<sup>۷</sup>

---

4 - بیان، حسام الدین و شکیبا مقدم، محمد؛ مدیریت شیوه های نو در آموزش، چاپ اول، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، 1372، ص 11.

5 - آیات ابتدایی سوره علق

6 - عزتی، ابوالفضل؛ آموزش و پرورش اسلامی، بی جا، انتشارات آثار بعثت، ص 6.

7 - تکمیل همایون، ناصر؛ آموزش و پرورش در ایران، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1385، ص 24.

در جوامع قبل تعلیم و تربیت تنها در دسترس افراد معدودی بود که وقت و پول لازم برای دنبال کردن آن داشتند. برای اکثریت مردم، رشد به معنای یادگیری همان عادات اجتماعی و مهارت‌های کاری بزرگترهایشان از طریق سرمشق گرفتن و تقلید از آنها بود. کودکان معمولاً در سن بسیار پایینی شروع به کمک به کارهای خانه، مزرعه و صنایع دستی می‌کردند. خواندن در زندگی روزانه‌ی آنان ضروری یا حتی سودمند نبود.

پس بر خلاف تصور بسیاری که آموزش را منحصر در مدرسه و مکان‌های خاص و تحت شرایط خاصی می‌دانند، آموزش قبل از تأسیس اولین مدارس در طول عمر بشر وجود داشته است و والدین به عنوان نخستین آموزگاران فرزندان‌شان محسوب می‌شدند.<sup>۸</sup> اما افراد به تدریج دریافتند که مهارت‌های کاری دیگری نمی‌تواند مستقیماً از والدین به فرزندان انتقال یابد. کسب دانش بیش از پیش بر پایه یادگیری انتزاعی و موضوعاتی مانند ریاضیات، علوم، تاریخ، ادبیات و ... قرار می‌گیرد تا بر مبنای انتقال علمی مهارت‌های ویژه.<sup>۹</sup> آنچه به طور کلی می‌توان گفت اینکه در جامعه ساده و ابتدایی، آموزش و پرورش هدف و منظور آگاهانه‌ای نداشت. هر فرد پس از تولد به تدریج طی مراحل مختلف زندگی، متناسب با سن و موقعیت‌های اجتماعی خویش، سازگاری‌های لازم با محیط اجتماعی را فرا گرفته، از طریق یادگیری موازین اجتماعی و الگوهای رفتاری، طی ترتیباتی به زندگی بزرگسالی راه می‌یافت.

مثلاً در امر گردآوری خوراک، یافتن جانوران زخمی یا جمع آوری میوه‌ها و ریشه‌های خوردنی گیاهان، نوجوان باید با پدر همراهی کرده، راه و رسم کار را یاد می‌گرفت. از این رو کسب آمادگی برای انجام دادن فعالیت‌های روزمره زندگی، هدف آموزش یا پرورش آگاهانه‌ای نداشت.

8 - گروه مشاوران یونسکو، فرآیند برنامه ریزی آموزشی، ترجمه فرید مشایخ، چاپ نهم، تهران، انتشارات مدرسه، 1379، ص 15.

9 - گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، نشر نی، 1373، ص 448.

پپیچیدگی روز افزون زندگی اجتماعی، موجب تنوع و کثرت تقسیم کار اجتماعی می‌گردید. در این شرایط، هر مرحله از گردش کار در جامعه، کسب مهارتهایی کم و بیش متناسب با نوع و کیفیت کار را الزامی می‌ساخت، زیرا که اعضای جامعه قادر نبودند بدون آموختن مهارتهای لازم، کارها و وظایف خود را انجام دهند. انباشت تدریجی دانشها، مهارتها و فنون کار و زندگی اجتماعی، اندیشه حفظ و انتقال این دستاوردها را پدید آورد. بنابراین از هنگامی که انسان با قصدی آگاهانه، وسایل آموزش و یادگیری فرزندان خود را فراهم ساخت، آموزش و پرورش رسمی پدید آمد و تشکل آن آغاز شد.

### تعریف نهاد آموزش

به طور کلی هر یک از فلاسفه و اندیشمندان، جامعه شناسان و رهبران دینی در مورد مفهوم آموزش و پرورش نظر خاصی دارند که علی‌رغم قدمت آموزش و پرورش به اندازه تاریخ بشر، ارائه یک تعریف واحد کاری بس دشوار است. در تعاریف انجام شده این نکته مشهود است که اکثریت قریب به اتفاق صاحب‌نظران، رابطه‌ی جامعه با تعلیم و تربیت را مد نظر داشته و بر آن تأکید می‌ورزیدند.<sup>10</sup>

در باب شناخت آموزش و پرورش باید گفت که استقرار و بقای هر جامعه مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، گرایشها، دانشها و مهارتهای آن به نسل جدید منتقل شود. وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است.

آموزش به معنای انتقال معلومات و مهارتها به دیگران است. به طوری که این معلومات و مهارتها به کار آیند و موجب تحول و دگرگونی در رفتار شوند. پرورش به معنای فراهم آوردن زمینه برای شکوفایی توانایی‌های درونی و استعدادهای طبیعی است. گاهی در برخی از تعاریف اشخاص، آموزش که زمینه ساز پرورش است و خود پرورش با یکدیگر به صورت مترادف و معادل با واژه تربیت به کار برده می‌شوند.

---

10 - قرایی مقدم، امان...؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، کتابخانه فروردین، 1373، ص 14.

البته برخی افراد نیز می‌باشند که این دو واژه را مساوی نمی‌دانند، بلکه تعلیم را جزئی از تربیت و یا وسیله‌ای از وسایل آن می‌دانند.<sup>۱۱</sup>

آموزش و پرورش امری است مختص انسانها که در زمانها و مکانهای مختلف به صورتهای متفاوتی تعبیر و تفسیر می‌شود. مثلاً در قدیم، در دوره ایران باستان، منظور از آموزش و پرورش بیشتر رشد و توسعه مهارتهای بدنی مانند شمشیرزنی، پرتاب نیزه و کمی هم آشنا کردن کودکان و نوجوانان با آداب و رسوم آن زمان بوده است.<sup>۱۲</sup>

چنانچه اشاره شد اشخاص مختلف در آثارشان و نیز در فرهنگها، تعاریف مختلفی از آموزش ارائه داده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. عمید در فرهنگ فارسی خود آموزش و پرورش را چنین معنا کرده است: «به معنای تعلیم دادن است و منظور یاد دادن، خواندن و نوشتن یعنی سواد آموختن علوم به فرزندان است».<sup>۱۳</sup>

دکتر انوری در فرهنگ خود چنین گفته است: «آموزش: عمل آموختن، تحصیلات رسمی، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه، آموزش عالی».<sup>۱۴</sup>

به نظر امیل دورکیم، آموزش و پرورش عبارت است از انتقال ارزشها و فرهنگ جامعه از نسل کهن به نسل جدید یا به عبارت دیگر اجتماعی کردن نسلهای تازه. به نظر او مدرسه هم مثل خانه و خانواده از اجتماع جدا نیست و نمی‌تواند باشد، بلکه مظهر جامعه و مأمور آن است و مجری القاء افکار و عقاید و آداب و رسوم اجتماع به شمار می‌آید.<sup>۱۵</sup>

---

11 - حجتی، سید محمد باقر؛ اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366، ج 2، ص 9.  
12 - تقی پور ظهیر، علی؛ اصول و مبانی آموزش و پرورش، چاپ چهارم، بی جا، انتشارات دانشگاه پیام نور، 1371، ص 25.  
13 - عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، چاپ سیزدهم، تهران، امیر کبیر، 1357، ص 77.  
14 - انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، 1381، ج 1، ص 161.  
15 - قرایی مقدم، امان...؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، ص 15.

دکتر عزتی نیز در اثر خود در بحث مربوط به آموزش در ذیل عنوان «آموزش و پرورش چیست؟» اینگونه آموزش را معنا می کند که مقصود از آموزش، تعلیم است نه سواد و منظور از تعلیم، کلیه دانش‌هایی است که برای پیشرفت مستقیم و با واسطه بشریت عمومی و همه جانبه انسان‌ها مؤثر و مفید است. در این صورت سواد مانند دیگر وسایل تعلیم، آلت است نه هدف و مقصود از پرورش، علوم و تکنیک‌هایی است که برای سلامت و پرورش جسم و جان انسانها مفید و ضروری است.

به این ترتیب و طبق نظر ایشان، نمی توان مرز مشخصی را برای آموزش یا پرورش تعیین نمود و این دو در موارد مختلف در یکدیگر دخالت دارند. همان طور که تعلیم شامل تعالیم بهداشتی ناظر بر جسم است مانند آموزش بهداشت، پرورش یا تربیت نیز شامل پرورش‌هایی است ناظر بر جان مانند سلامت جان.<sup>۱۶</sup>

آموزش و پرورش به معنای خاص، فراگردی است که به واسطه آن افراد در قالب نظام آموزش و پرورش رسمی و مؤسسات تابعه، با استفاده از نیروی انسانی آگاه و متخصص، برنامه از پیش اندیشیده شده و با کمک ابزار و وسایل فنی، تحت آموزش منظم دانش‌ها، مهارت‌ها، رفتارها و گرایش‌های خاص جامعه قرار می‌گیرند و پرورش ذهنی و اجتماعی افراد جامعه میسر می‌گردد.<sup>۱۷</sup>

در معنای عام و وسیعتر آموزش و پرورش پوششی است که بواسطه آن مجموعه اعتقادات، ارزشها، هنجارها، دانش، مهارتها، ساخته و پرداخته‌ها، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنن، هنرها و دانستنیهای عامه و نفسانیات (مراد دانستنیهای شخصی است) که مجموعاً فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهند به نسل جدید منتقل می‌شود. آموزش و پرورش در این معنا مترادف با جامعه پذیری یا اجتماعی نمودن است.<sup>۱۸</sup>

16 - عزتی، ابوالفضل، ص 10 و 11.

17 - قرایی مقدم، امان ا...؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، ص 19.

18 - همان، ص 17.

آموزش و پرورش فرایند یادگرفتن دانش و مهارت و یاد دادن آن است. این فرایند از پیدایش انسان بر زمین آغاز شده، آرام آرام کامل تر شده و امروزه یکی از پایه های اساسی پیشرفت جامعه ها شده است.

## 2- نهاد

امور اجتماعی در جامعه شناسی چند نوع است. برخی از اهمیت، ثبات، قدمت و عمومیت بیشتری برخوردارند و برخی نسبتاً جدید، محدود و در پاره ای موارد خصوصی و فرعی می باشند. اموری که از نظر استمرار، عمومیت و استقرار در جوامع گوناگون مورد توجه قرار می گیرند «نهادهای» هستند.

نهادهای مورد توجه و مرکز توجه جامعه شناسان هستند، زیرا به وسیله نهادهای زندگی یک جامعه با تمام پیچیدگیها و تغییراتش در مقابل بینندگان ظاهر شده، خودنمایی می کند. به نظر گیدنز نهادهای با ارزش ترین قسمت های میراث نسل های گذشته بشر را حفظ کرده اند.<sup>۱۹</sup> در تعریف واژه نهاد در فرهنگ لغت چنین آمده است: مقام، جایگاه، قرار و موضعه هر نوع تشکلی که رسمیت یا استقرار یافته باشد، سازمان، مؤسسه.<sup>۲۰</sup>

مفهوم نهاد در جامعه شناسی، سازمان یا مؤسسه استقرار یافته (مانند خانواده یا دانشگاه) به ویژه آنچه دارای ماهیت اجتماعی است.<sup>۲۱</sup> واژه نهاد در مطالعات و بررسی های اجتماعی مترادف انستیتوسیون (Institution) در زبان فرانسه است که خود از واژه لاتین Institutum (مؤسسه مستقر و تأسیس و تثبیت) آمده است.

نهاد در لغت به مفهوم نیروهای پایه ای عمل مستقر، ایجاد بنیادی و کنش اساسی است. نهاد اجتماعی، امر، عمل، رفتار بنیادی و منتظم اجتماعی است که بر هدف یا هدف های اساس معینی ناظر است و کل یگانه ای پدید می آورد که منشأ ایجاد و جهت گیری نقش ها، ارزش ها، علایق و رفتارهای مشترک و متشکل

19 - فرایبی مقدم، امان...؛ مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، تهران، ابجد، 1374، ص 219.

20 - انوری، حسن، ج 8، ص 8048.

21 - صدری افشار، غلامحسین و حکمی، نسترن و حکمی، نسرن؛ فرهنگنامه فارسی اعلام و واژگان، چاپ اول، تهران، فرهنگ معاصر، 1388، ج 3، ص 2786.



و سازمان بندی اجتماعی اصلی جامعه است و مولد کنش‌ها و واکنش‌ها و دارای اهمیت استراتژیک ساختی و کارکردی است؛ مانند نهاد خانواده، دولت، آموزش و پرورش و غیره.<sup>۲۲</sup>

می توان گفت نهاد مجموعه‌ای انتزاعی از الگوها و شیوه‌های رفتاری است که از آداب و رسوم، ارزش‌ها و اعتقادات سازمان یافته، تشکیل شده، از جامعه منشأ گرفته و در اثر کنش و واکنش‌های اجتماعی مشخص و تحقق یافته و به تدریج به تصویب جامعه رسیده است. نهادها دارای پویایی، دوام، عمومیت، نظم، پیچیدگی و فنا ناپذیری نسبی می‌باشند. خود را بر افراد جامعه تحمیل کرده، رفتار آنان را کنترل می‌کنند و به وسیله آنها میل و نیازمندی‌های اجتماعی تأمین می‌گردد.<sup>۲۳</sup>

نهادها ویژگی‌هایی دارند که عبارتند از:

- 1- هدف هر نهاد ارضای نیازهای اجتماعی معینی است.
- 2- نهادها متضمن ارزش‌هایی نهایی هستند که اعضاء در آن مشارکت دارند.
- 3- نهادها به طور نسبی پایدارند، تا حدی که الگوهای ثابت رفتار در درون نهادها، به صورت بخشی از سنت و فرهنگ مرسوم جامعه است.
- 4- بنیانهای اجتماعی نهادها آن‌چنان عام و گسترده است که فعالیت‌های آن، جایگاه عمده‌ای را در پهنه جامعه به خود اختصاص می‌دهد، به طوری که هر تغییر چشمگیر در نهاد به احتمال، موجب تغییر در دیگر نهادها می‌شود.
- 5- هر چند همه نهادهای جامعه به هم وابسته‌اند، هر یک از نهادها به تنهایی بر مبنای شبکه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، و الگوهای رفتاری مورد انتظار، به حد اعلاء، ساخت و سازمان یافته است.

22 - محمد آراسته خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، چاپ سوم، تهران، چاپخس، 1381، ص 873.

23 - قرایی مقدم، امان...؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، ص 110.

6- آرمانهای یک نهاد را معمولاً بخش عظیمی از اعضای جامعه، چه در حال حاضر در آن مشارکت

داشته یا نداشته باشند، پذیرفته‌اند.<sup>24</sup>

نهادها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف- نهادهایی که پاسخگوی نیازهای مادی و فیزیولوژیک انسان و جامعه‌اند، مانند نهاد اقتصاد.

ب- نهادهایی که به نیازهای معنوی بشر پاسخگو هستند مثل نهاد دین.

ج- نهادهایی که هم به نیازهای مادی و فیزیولوژیک و هم به نیازهای معنوی و ایدئولوژیک پاسخ

مناسب می‌دهند، مثل نهاد تعلیم و تربیت (یا آموزش و پرورش).<sup>25</sup>

نهادهای اجتماعی بر اثر کارکرد جامعه انسانی و برآوردن نیازهای انسان بوجود آمده و رشد کرده‌اند و در همه سطوح و ابعاد زندگی اجتماعی حضور دارند. از جمله نهاد آموزش و پرورش که تحول هیچ جامعه‌ای بدون آن ممکن نیست. اما سازمانهای اجتماعی در انجام هدفهای نهادها بوجود می‌آیند که در تعریف آن می‌توان گفت: سازمان واحدی است اجتماعی (گروه بندی متشکلی از انسانها) که به عمد ساخته و بازسازی شده است تا نیل به هدفهای مشخص ممکن شود. بنابراین در رسیدن به اهداف هر نهادی سازمانها بوجود می‌آیند. مثلاً در رابطه با آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، سازمان‌های آموزشی، سازمان‌های منطقه‌ای، کودکانستان و غیره به وجود می‌آیند که مجموعاً به آنها نظام آموزش یا نظام سازمان یافته‌ی آموزش می‌گویند.

فرق اساسی بین آن دو، این است که نهادها همان‌طور که گفته شد در روند تحولی جامعه و کارکرد آن بوجود می‌آیند و فرد یا مقام یا دولت در پیدایش آن دخالت ندارد. به عبارت دیگر طرح ریزی شده نیستند.

---

24 - کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه: دکتر غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ اول، تهران، سمت، 1372، خلاصه ص 151 تا ص 153.

25 - محمد آراسته خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، ص 874.

در حالی که سازمان‌ها یا نظام‌های اداری و آموزش و امثال آن را مسئولین، مدیران و دولت‌ها طرح ریزی می‌کنند و سازمان می‌دهند. اولی نوعی رابطه است که جنبه عینی آن بسیار کم است و دومی در چهارچوب تشکیلات و وسایل و ابزار و عوامل انسانی شاغل در آن قابل رؤیت است.<sup>۲۶</sup> به عبارت دیگر نهادهای اجتماعی مایه و پایه‌ی پدیداری قانون‌ها، مقررات، سازمان‌ها و تشکیلات (رسمی و عرفی) از یک‌سو و بستر اعتقادات، باورها، و شرایط و روابط بوده‌اند.

هر نظام نهادی (همکاری و تعاون و تعامل یا همیاری و سازواری چند نهاد) دارای ساخت‌ها و کارکردهایی است و این کارکردهای آشکار و مثبت، ساده و مرکب مقتضی نهادهاست که منجر به تأسیس سازمان‌های اجتماعی مرتبط با آنها می‌گردد. (سازمان‌های رسمی خصوصی و دولتی جزئی و جنبه‌ای از سازمان‌های اجتماعی هستند).<sup>۲۷</sup> پس نهادها پشتوانه‌ای برای تأسیس و تشکیل سازمان‌ها (رسمی و غیر رسمی)، باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و مقررات و قوانین‌اند.<sup>۲۸</sup>

## 1-2- نهاد آموزش و پرورش:

در فرآیند تقسیم کار جوامع، آموزش و پرورش به مثابه یک نهاد، جایگاهی منحصر به فرد در زمینه سازی منفی یا مثبت تحولات و ایجاد آن‌ها دارد. برای مردمی که در روزگار قبل از اختراع خط، زندگی می‌کردند، آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی تخصصی، از بقیه زندگی جدا نشده بود و شامل تقلید روز به روز از سالخوردگان، آشنایی با فنون لازم، اسطوره‌ها و آگاهی‌های عمومی می‌شد. در حالت عمومی‌تر اکثر مردم آموختنی‌ها را از والدین خویش فرا می‌گرفتند.<sup>۲۹</sup>

26 - گلشنی فومنی، محمدرسول؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، شیفته، 1373، ص 27 و 28.

27 - محمد آراسته خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، ص 875.

28 - همان، ص 876.

29 - شارع پور، محمود؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، چاپ پنجم، تهران، سمت، 1387، ص 1.

پس با گسترش فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، ارزش‌ها، مهارت‌ها و غیره در جوامع بشری و ناتوانی نهاد خانواده در انتقال کامل آنها از نسلی به نسل دیگر، کم کم جریان آموزش شکل دیگری به خود گرفته و از خانواده پا فراتر نهاد. نهاد آموزش و پرورش رخ نمود و با توجه به پویایی جوامع بشری روز به روز بر پیچیدگی‌های خود افزود. به زبان علمی، در جامعه‌های جدید، پیچیدگی روابط و تخصصی شدن کارکردهای نهادها و سازمانهای اجتماعی، نهادهایی نظیر دین و خانواده، قادر به ایفای نقش‌های پیچیده و گوناگون آموزشی و پرورشی مورد انتظار جامعه نیستند. به عبارت دیگر، در نظام پیچیده جامعه ارگانیک، آموزش و پرورش افراد جامعه، از طریق مشارکت مستقیم آنان در زندگی اجتماعی، آن گونه که در جامعه ساده اتفاق می‌افتاد، غیر ممکن است.

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اجتماعی است که با ماهیت انسانی، تکوین شخصیت فرد و زندگی اجتماعی، رابطه‌ی مستقیم دارد و با هرگونه تحرک و دگرگونی اجتماعی در تعامل است.

آموزش و پرورش نهادی است اجتماعی که در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی عمل می‌کند.<sup>۳۰</sup> به عنوان یک نهاد اجتماعی آموزش و پرورش ترکیبی از مدرسه و افرادی است که به طرق مختلف در چهارچوب مدرسه با یکدیگر در کنش و واکنش هستند. بدین ترتیب بخشی از فرآیند آموزش و پرورش در چهارچوب نهاد اجتماعی مدرسه صورت می‌گیرد، ولی بخشی دیگر خارج مدرسه در چهارچوب جامعه‌ی کلی تحقق می‌یابد.<sup>۳۱</sup>

آموزش و پرورش یک از نهادهای اجتماعی است، یعنی واقعی است که بر اثر نیازهای انسان در رابطه با یکدیگر در مسیر تحولات اجتماعی بوجود آمده، شکل گرفته و تحول پیدا کرده است. اکنون جامعه‌ای

30 - گلشنی فومنی، محمدرسول؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، ص 11.

31 - شارع پور، محمود؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، ص 10.

نیست که در تداوم و استمرار خود وابسته به آن نباشد. از نخستین روزهای زندگی گروهی انسان، آموزش و پرورش وجود داشته است.<sup>۳۲</sup>

موریس شوارده در کتاب «استادان بزرگ تعلیم و تربیت» تحت عنوان «در آغاز معلم وجود داشت» چنین می گوید:

«نخستین معلمان کسانی بودند که راه و رسم شکار، نگهداری آتش و تراش سنگهای سیلیسی را باب کردند. پس از آن نوبت به کشاورزی رسید که با گفتار یا عمل خود روش کشت را آموخت. بناء و آهنگری که افرادی را برای تعلیم حرفه به شاگردی پذیرفتند، کوزه‌گری که کار خویش را عملاً نشان داد و رموز آن را تشریح کرد، سخنگویی که مریدانی برای خود فراهم کرد، فیلسوفی که به جوانان درس حکمت آموخت و بالاخره عالم زبان شناسی که مکتبی برای تعلیم اصول و قواعد زبان باز کرد، همگی در شمار معلمان نخستین بودند.»<sup>۳۳</sup>

## 2-2- کارکردهای نهاد آموزش و پرورش:

- 1- آماده‌سازی افراد برای ایفای نقش شغلی
- 2- عمل کردن به عنوان حامل و ناقل میراث فرهنگی
- 3- آشناسازی افراد برای نقشهای مختلف اجتماعی
- 4- آماده‌سازی افراد برای ایفای برخی نقشهای خاص مورد نظر
- 5- فراهم کردن بنای ارزشیابی و فهم پایگاههای اجتماعی
- 6- ایجاد دگرگونی در جامعه از طریق توسعه پژوهشهای علمی

---

32 - گلشنی فومنی، محمدرسول، ص 28.

33 - همان، ص 32.

## 7- تقویت قدرت سازگاری افراد با ارزشهای جامعه و بهبود روابط اجتماعی<sup>۳۴</sup>

### 3- نظام:

در لغت به معنای آراستن، نظم دادن و مرتب کردن می باشد.<sup>۳۵</sup> اما مفهوم نظام اجتماعی (که آموزش و پرورش نیز یکی از ابعاد آن است): طبق نظر هانری ژان، نظامهای اجتماعی همزیستی در جهان معاصر می-توانند به سازمانهایی با سه مشخصه‌ی عمده تشبیه شوند:

1- دارای یک واقعیت مادی- اجتماعی هستند، بدین معنا که بر روی کره خاکی در ارتباط با یکدیگر نقش ایفا می کنند.

2- از سوی دیگر واجد یک واقعیت روانی- اجتماعی هستند، بدین صورت که از سوی مردم با فراست و هوشیاری درک شده اند.

3- و بالاخره شامل یک واقعیت تغییر دهنده هستند، بدین معنی که در مرتبه بالایی واقع شده اند و در آگاهی عمومی نقش مهمی دارند و موجب تغییرات می شوند.

نظامهای اجتماعی به تدریج توسط مردم اجرا می شوند. در میان آنها کنشهای مشترکی در طول تاریخ اجتماعات بروز می کند. این نظامها از آغاز به تدریج تکامل پیدا کرده و استحکام و ثبات یافته اند. به گفته هانری ژان این جریان از دو نظر قابل بحث است:

*اول/ اینکه:* تمامی نظامهای اجتماعی توسط مؤسسات اداره می شوند. زیرا از این طریق قادر به ارائه زندگی و رفع احتیاجات اعضای خود هستند. این مؤسسات به صورت مقررات ثبت و ضبط شده درآمده و

34 - کوئن، بروس؛ مبانی جامعه شناسی، ص 157.

35 - معین، محمد؛ فرهنگ فارسی متوسط، چاپ ششم، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، 1364، ج 4، ص 4748.

شکل قانون می گیرند و هر شخص با شناختی که از آنها دارد عمل می کند. مؤسسات بوجود آمده، طی تحول جوامع بر اساس نیازهای جوامع تغییر شکل می دهند.

دوم/ینکه: نظام‌های اجتماعی ملزم به تبعیت از رابطه متقابل افراد در بین اعضای خویش در هر جهت مکمل هستند. این روابط می توانند موجب تغییر و تحول نظام‌های اجتماعی شوند. اما چنین تحولی خود می تواند موجب تحول روابط شود.

این دو مورد رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، در نتیجه می توان گفت که روابط بین اشخاص توسط مؤسساتی که خود بوجود آورده‌اند، مشخص می شود.<sup>۳۶</sup>

بنابراین تا اینجای بحث مشخص شد که نهاد به موازات آموزش و پرورش به وجود آمد (یعنی وجود آن ناگزیر بوده است). برای رسیدن به اهداف نهاد، سازمان (نظام) به وجود آمد. سازمان یا نظام نیز ویژگی‌های خاص خود را داراست.

آن گونه که اشاره شد، در بیشتر تاریخ انسان، تعلیم و تربیت غیررسمی بود و از کودکانی تشکیل می شد که صرفاً بزرگترهای خود را تماشا می کردند و برای مهارت‌های خاص، توسط والدین و خویشاوندان خود مورد تعلیم قرار می گرفتند. نخبگان دینی و اجتماعی شاید نخستین کسانی بودند که از تربیت رسمی برخوردار شدند، ولی بعداً تا حدی تعمیم یافت. اما تعلیم و تربیت هنوز واپس‌گرا بود و در خویشاوندی قرار داشت و ساخت‌های صریح و رسمی (آموزش) تنها برای عده نسبتاً کمی از افراد وجود داشت.<sup>۳۷</sup>

اما نظام‌های تعلیم و تربیت بوجود می آیند تا در جامعه جدید (جوامع بعد از جوامع ابتدایی) کارهای زیادی را انجام دهند. پیچیدگی جوامع به دنبال خود پیچیدگی روابط را می آورد و برای مدیریت آن ناگزیر

---

36 - گلشنی فومنی، محمدرسول؛ ص 94 و 95

37 - ترنر، جانانان اچ؛ مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1378، چاپ اول، ص 290

از وجود نظام هستیم. عمل‌های کارکردی ضروری‌اند همانند اجتماعی کردن جوانان، جای دادن مردم در اقتصاد، اندوختن فرهنگ و ابداع و همین‌طور عمل‌های کارکردی کمتر آشکار از قبیل: 1- ایجاد تعهد نسبت به نظم موجود، آنگونه که به وسیله نخبگان تعریف می‌شود؛ 2- مقصر دانستن مردم برای عدم موفقیت‌شان به جای نظم موجود؛ 3- واداشتن مردم به کسب مدرک، تا به تعهدشان نسبت به جامعه و اقتصاد سیاسی اعتراف کنند. به علاوه همانگونه که تعلیم و تربیت به یک نهاد مسلط تبدیل می‌شود، همچنین به دلیل شرایط خاص خود به صورت یک نیروی قدرتمندی در می‌آید و شروع می‌کند به تعیین اینکه یک جامعه چه مدارک، دانش و موقعیت‌هایی را باید داشته باشد.<sup>۳۸</sup>

پس می‌توان نهاد تعلیم و تربیت را به عنوان نظامی از ساخت‌های رسمی دیوان سالارانه تعریف نمود که برای اجتماعی کردن، تسهیل جایگزینی مردم و جامعه، اندوختن دانش و تولید نظام‌های جدید فرهنگ، طراحی شده است. در عین حال تعلیم و تربیت برای ایجاد و تداوم حدود و ثغور طبقاتی و گروه منزلتی و نیز برای اجبار به تعهد نسبت به نظم اجتماعی موجود، پیام‌های متعددی دارد.<sup>۳۹</sup> در کل نظام آموزش و پرورش فرد را آنگونه بار می‌آورد که جامعه می‌خواهد.<sup>۴۰</sup>

#### 4- فعالیت آموزشی:

فعالیت آموزشی همان است که در پرتو نهاد و نظام آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. ابتدا به تعریف کلمه «فعالیت» می‌پردازیم.

فعالیت: کوشش - فعالیت به خرج دادن: کوشش کردن، کوشیدن - فعالیت داشتن: کوشش کردن.<sup>۴۱</sup>

---

38 - همان، ص 294

39 - همان، ص 295

40 - فرایی مقدم، امان...؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، ص 20

41 - دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه علی اکبر دهخدا، چاپ دوم، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، 1377، ج 11، ص 17182



در جای دیگر نیز این کلمه به چند معنا آمده است: 1- فعال بودن، کوشش، تلاش؛ 2- پرداختن به کاری، اشتغال؛ 3- کارکرد؛ 4- عمل، کار.<sup>۴۲</sup>

جمعیت‌های انسانی اولیه به شیوه‌ای بسیار ساده خود را سازماندهی می‌کردند. اندکی از خانواده‌های هسته‌ای (پدر، مادر و فرزندان) در یک دسته حرکت می‌کردند و به شکار و گردآوری خوراک می‌پرداختند. بیشترین فعالیت در این جوامع ساده توسط افراد به تنهایی یا در واحد خانواده صورت می‌گرفت. این روند برای بیشتر تاریخ بشری ادامه داشته است. اما به مرور با افزایش جمعیت، گروه‌های کوچک، دیگر برای سازمان دادن تعداد افزایش یافته مردم (در زمینه‌های مختلف اشتغال، ازدواج و غیره) مناسب نبودند. لذا با افزایش مقیاس جامعه و نیاز به سازماندهی، سازمان‌های رسمی‌ای ایجاد شد که گروهها را در سلسله مراتب به هم پیوند می‌داد و سازماندهی می‌کرد.<sup>۴۳</sup>

فعالیت آموزشی در قالب عناصری صورت می‌گیرد که عناصر تعلیم و تربیتند.

### عناصر اساسی تعلیم و تربیت:

همه ساخت‌های تعلیم و تربیت شامل دو موقعیت منزلتی اساسی‌اند: معلم و شاگرد. زمانی که این ساختها بزرگ و پیچیده می‌شوند و به تعداد هر چه بیشتری از محصلین رسیدگی می‌کنند. موقعیتهای جدیدی به آن اضافه می‌شوند. مدیران، کتابداران و مانند اینها. ساخت‌های مدرسه زمانی که بزرگتر می‌شوند به طور اجتناب‌ناپذیری دیوان سالارانه می‌شوند و نظامی از دیوان سالاری را شکل می‌دهند که برای دانش‌آموزانی که از مدرسه ابتدایی به دبیرستان، به آموزشگاه‌های عالی و به دانشگاه گذر می‌کنند، حرفه‌هایی را

---

42 - انوری، حسن؛ ج 6، ص 5380

43 - ترمز، جانانان اچ، ص 195 و 196.

پدید می‌آورند. در مورد نمادهای فرهنگی - باورها و هنجارها - مربوط به اینکه مردم در این نظام چگونه باید عمل کنند و چگونه عکس العمل نشان دهند، توافق شگفت‌انگیزی وجود دارد.<sup>۴۴</sup>

پس چنانچه ملاحظه گردید، هم نوا و هماهنگ با دیگر عناصر از جمله آموزش، نهاد و نظام آموزشی، فعالیت آموزشی نیز همزمان با گذشت زمان و پیشرفت جوامع چه در بعد کمیت و چه در بعد کیفیت، تغییر و سازماندهی یافته و این نظام یافتگی همچنان نیز ادامه داشته و در هیچ لحظه‌ای متوقف نمی‌شود.

### رابطه آموزشگاه با جامعه:

یکی از مهم‌ترین مسائلی که تمامی کشورهای جهان با آن روبرو هستند و مورد توجه بسیاری از دانشمندان و کارشناسان بوده و می‌باشد مسأله تعلیم و تربیت افراد است و به زعم بسیاری از متخصصان مهم‌ترین و دشوارترین مسأله مبتلا به انسان تعلیم و تربیت اوست. با گذشت زمان و شکل‌گیری و دگرگونی نظام‌های سیاسی، به آموزش و پرورش بیش از پیش توجه شد و با توسعه و تنوع نیازهای انسان و بهره‌مندی انسان از مهارت‌ها و توانایی‌های فراوان آموزش و پرورش به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به پیشرفت رفاه و سعادت بشر عنوان گردید. آموزش و پرورش به عنوان موثرترین عامل پیشرفت جوامع امروزی است. از این رو بررسی و توجه به مسائل مهم‌ترین و موثرترین عامل پیشرفت جامعه می‌تواند ما را در رسیدن به آرمان‌هایمان یاری نماید. یکی از مصادیق این مقوله مهم، آموزشگاهها و مراکز آموزشی می‌باشد که به طبع خود مسئله آموزش رابطه‌ای تنگاتنگ با جامعه دارد.

آموزش و پرورش یکی از مهمترین سازمانهای اجتماعی شدن و مدرسه، اصلی‌ترین نهاد آن است. نخستین سازمانی که از سوی جامعه و با هدف اجتماعی کردن کودک ایجاد و وارد عمل می‌شود، مدرسه یا نهاد رسمی آموزش و پرورش است. به دلیل اهمیت نقشی که مدارس و مراکز آموزشی در جامعه ایفا می‌-

کنند به جاست که رابطه این دو با هم و تأثیر متقابلشان مورد بررسی قرار گیرد. اما در مورد رابطه آموزشگاه با بخش‌های جامعه برخی معتقد به دو اصل هماهنگی و مرکزیت هستند. بر اساس اصل اول آموزشگاه باید با دیگر بخشهای سازنده جامعه هماهنگی داشته باشد. نهادهای گوناگون باید هم‌گام باشند و هدفی مشترک و فراگیر را دنبال کنند.

بر طبق اصل دوم، آموزشگاه مرکز ممتاز آموزش و پرورش علمی و عقیدتی نسل‌های است. 45

آنچه می‌توان گفت اینکه انسان از آغاز آفرینش برای حفظ حیات خویش همواره در حال حرکت و تکاپو بوده است و این تکاپو زمینه پیشرفت جوامع بشری را فراهم نموده است. که آموزش و پرورش یکی از عناصر این پیشرفت است. به این معنا که توسعه نیروی انسانی که به معنی افزایش سطح آگاهی، دانش، مهارت استعدادها و قابلیت‌ها می‌باشد، از طریق نظام آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. نظام آموزش و پرورش نیز به عنوان یکی از اهرم‌های مهم توسعه و پیشرفت، شامل مجموعه‌ای از نیروهای انسانی از جمله معلمان، مدیران و برنامه‌ریزان است که برای تحقق اهداف آموزشی فعالیت می‌کنند. در این مجموعه هر یک از نیروها و عوامل نقشی مهم ایفا می‌کنند اما برخی از عناصر آن نقشی اساسی در پیشرفت یا رکود آن دارند.

### فعالیت‌های آموزشی در ایران اسلامی

از مسائل اساسی و قابل بررسی در هر عصر تاریخی (منظور دوره پس از ظهور اسلام می‌باشد) برخورد اسلام و سایر ملل، برخورد فرهنگ‌های مختلف و تمدن‌های گوناگون در منطقه بود. شاید بهتر است بگوییم بررسی ابعاد و کیفیت استفاده اسلام از ابزارهای موجود و قابل بهره‌برداری در تمدن‌های مختلف که با آن

---

45 - شرکاوی، محمد، درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ اول، تهران، نقش جهان، 1379، ص 17.

روبرو شد؛ که آموزش و پرورش از بنیادی ترین مظاهر آن به حساب می آید، از اهمیت بسزایی برخوردار است.<sup>۴۶</sup>

از آنجا که دوره زمانی و مکانی بحث ما ایران اسلامی و به طور مشخص قرن هفتم تا اوایل قرن دهم هجری را در برمیگیرد، جادارد که از کلیات این دوره نیز یاد کنیم و بررسی مصادیق و جزئیات را به فصول دیگر واگذاریم.

سرزمین ما از دیرباز یکی از مراکز عمده فرهنگی جهان بشمار میرفته و بسیاری از زمینه های علوم مختلف دنیا مدیون سرزمین ماست. بعد از اسلام نیز، ایران در قالب تمدن اسلامی یکی از درخشانترین فرهنگها را عرضه می کند. نهادهای بسیار پس از اسلام در ایران شکل میگیرند که نمونه بارز آن نظامیه ها و رصدخانه ها میباشند. نمونه های علمی و آموزشی که تا آن زمان در مغرب زمین مشاهده نشده بود. حتی تا جاییکه در مغرب زمین کسانی که می خواستند به تدریس آثار ابن سینا بپردازند، جامه ای به گونه ایرانی رایج زمان او می پوشیدند و بعد کتاب ابن سینا را به دست می گرفتند و تدریس می کردند. واقعیتی که در زمان حاضر کمتر کسی از آن باخبر است.<sup>۴۷</sup>

## اهمیت علم و دانش در اسلام

با نگاهی گذرا به منابع تفکر اسلامی یعنی قرآن کریم و احادیث می توان دریافت که خداوند و اولیای او، نه تنها مومنان بلکه کافران و مشرکان و حتی پیروان دیگر ادیان را همیشه به خردورزی و علم آموزی دعوت می کنند. تنها در نهج البلاغه احادیث بسیار در باب تجلیل از علم و فضیلت علماء نقل شده است.<sup>۴۸</sup>

46 - تکمیل همایون، ناصر، ص 23

47 - صدری افشار، غلامحسین؛ سرگذشت سازمانها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران، بی جا، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، بی تا، پیشگفتار.

48 - سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1368، خطبه 105 ص

96، نامه 31 ص 295، کلمات قصار 147 ص 387 و کلمات قصار 205 ص 396

احادیث مشهوری درباره وجوب کسب دانش برای مردان و زنان، اهمیت کسب دانش از ابتدا تا آخر زندگی، لزوم تحصیل دانش اگرچه مستلزم رفتن به دورترین نقطه جهان باشد، و نیز اهمیت علما و دانشمندان زیاد میان مسلمانان شنیده می‌شوند. اهمیت دانش در اسلام به قدری است که پیامبر اسلام خطاب به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: زمانیکه مردم خود را در اجرای عبادات و خیرات به رنج و زحمت می‌اندازند تو خود را در ادراک معلومات و معقولات به زحمت بینداز. <sup>۴۹</sup> و نیز احادیث بسیار از دیگر ائمه بخصوص امام جعفر صادق علیه‌السلام در باب کسب علم وارد شده است. <sup>۵۰</sup>

نظر اسلام این است که موانع و مشکلات نباید مانع فراگیری دانش شود. و نیز احتکار دانش ممنوع است. این دیدگاه لزوم رابطه معلمی و متعلمی را می‌رساند و روایات بسیاری نیز در این باره وارد شده است. از امام باقر روایت شده که زکات دانش این است که آنرا به دیگران تعلیم دهی. در باب اینکه از هرکسی که ممکن باشد باید کسب دانش نمود، در روایت دیگری حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: الحکمه ضاله المؤمن، فخذ الحکمه ولو من اهل النفاق. دانش درست و نافع گمشده مومن است در تحصیل آن بکوش ولو آنکه نزد افراد دورو باشد. <sup>۵۱</sup>

بعد از بررسی برخی از مفاهیم موجود در عنوان رساله که به جهت اهمیت و کاربرد آن در رساله بیشتر در قالب مباحث نظری و از دیدگاه جامعه‌شناسی به آنها پرداخته شد، در ادامه به بررسی و تعریف بقیه مفاهیم مندرج در عنوان رساله می‌پردازیم. از آنجا که به این مباحث به تفصیل در بقیه فصول صحبت شده است، در اینجا به ذکر تعریف و بیان پاره‌ای از کلیات آن می‌پردازیم.

## شیعه

- 
- 49 - شریعتمداری، علی؛ جامعه و تعلیم و تربیت، چاپ یازدهم، تهران، امیرکبیر، 1372، ص 100.
- 50 - مرکز مطالعات اسلامی استراسبورک، مغز متفکر جهان شیعه (امام جعفر صادق)، ترجمه ذبیح الله منصوری، چاپ سوم، تهران، انتشارات جاویدان، 2536 شاهنشاهی، ص 242 و 246.
- 51 - قربانی، زین‌العابدین؛ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1370، صص 36 تا 44.

شیعه از نظر لغت به معنی پیروان و یاران و انصار است و با همین ساختمان لفظی بر مفرد و تشبیه و جمع و مذکر و مؤنث بدون نیازی به تغییر قالب تعبیر آن - اطلاق می گردد، و ریشه آن از «مُشایَعَت» به معنی مطاوعه و پیروی کردن است. این واژه اختصاصاً در مورد فرد یا افرادی به کار می رود که دوستدار علی و فرزندان او (علیهم السلام) هستند و به امامت آنها اعتقاد دارند تا آنجا که اگر واژه «شیعه» بدون قید و شرط اضافی به کار برده شود و قرینه‌ای در کار نباشد ادهان به چنان افرادی منحصر می شود که قائل به امامت امامان یاد شده هستند.<sup>۵۲</sup> هرچند لفظ شیعه در ابتدا نسبت به پیروان سایر افراد نیز به کار برده می شد. برای مثال در متنی کهن آمده که بصریان در آستان جنگ جمل «شیعه عثمان» بودند.<sup>۵۳</sup> شیعه که در اصل لغت به معنی پیروی می باشد به کسانی گفته می شود که جانشینی پیغمبر اکرم (ص) را حق اختصاصی خانواده رسالت می دانند و در معارف اسلام پیرو مکتب اهل بیت (ع) می باشند.<sup>۵۴</sup>

## آغاز پیدایش شیعه و کیفیت آن

آغاز پیدایش شیعه را که برای اولین بار به شیعه علی (اولین پیشوا از پیشوایان اهل بیت علیهم السلام) معروف شدند همان زمان حیات پیامبر اکرم (ص) باید دانست و جریان ظهور و پیشرفت دعوت اسلامی در بیست و سه سال زمان بعثت، موجبات زیادی در برداشت که طبعاً پیدایش چنین جمعیتی را در میان یاران پیامبر اکرم (ص) ایجاب می کرد. پیغمبر اکرم (ص) در اولین روزهای بعثت که به نص قرآن مأمور شد تا خویشان نزدیک خود را به دین خود دعوت کند، صریحاً به ایشان فرمود که هر یک از شما به اجابت دعوت من سبقت گیرد وزیر و جانشین و وصی من است. علی (ع) پیش از همه مبادرت نمود و اسلام را پذیرفت.

52- محمدحسین مظفر؛ تاریخ شیعه، ترجمه سید محمدباقر حجتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374، ص 33.

53 - ابی زید احمد بن سهل بلخی، البدء و التاريخ، پاریس، 1899م، ج 5، ص 211.

54- علامه سیدمحمدحسین طباطبایی؛ شیعه در اسلام، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، 1386، ص

در روایتی که حسکانی از چند طریق نقل کرده در شرح آیه خیرالبریه (بینه/7) آمده که رسول خدا صلی الله علیه وآله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «هم انت و شیعتک».<sup>۵۵</sup> در روایت دیگری که از رسول خدا نقل شده همین ترکیب دیده می شود. یا علی انت و شیعتک فی الجنه.<sup>۵۶</sup>

پیغمبر اکرم(ص) به موجب چندین روایت متواتر و مستفیض که شیعه و سنی روایت کرده اند، تصریح فرموده که علی در قول و فعل خود از خطا و معصیت مصون است. هر سخنی که گوید و هر کاری که کند با دعوت دینی مطابقت کامل دارد و او داناترین مردم است به معارف و شرایع اسلام. در جریان غدیر خم پیامبر اکرم(ص) علی را به ولایت عامه مردم نصب و معرفی کرد و او را مانند خود متولی قرار داده بود. خدمات گرانبها و فداکاریها و ویژگیهای برجسته علی علیه السلام و امتیازات و علاقه وافر پیامبر اکرم(ص) عده ای از شیفتگان حقیقت را بر آن می داشت تا علی را دوست داشته و از او پیروی کنند. گذشته از همه اینها عبارت «شیعه علی» و «شیعه اهل بیت» در سخنان پیغمبر اکرم(ص) بسیار دیده می شود.<sup>۵۷</sup>

با همه اینها می توان بهترین تعریف برای لفظ شیعه را تعریف ابان بن تغلب بن رباح جریری کوفی (م141) از اصحاب امام باقر و امام صادق دانست که گفته است: «الشیعه الذین اذا ختلف الناس عن رسول - الله (ص) اخذوا بقول علی و اذا ختلف الناس عن علی اخذوا بقول جعفر بن محمد».<sup>۵۸</sup>

انشعاب در همه مذاهب و خاصه در چهار دین آسمانی حکیمی، مسیحی، مجوسی و اسلام و حتی در شعب آنها نیز وجود دارد. مذهب شیعه در زمان سه پیشوای اول از پیشوایان، هیچ گونه انشعابی نیافت ولی پس از شهادت امام سوم و آغاز امامت امام سجاد(ع) انشعاب آغاز شد و انشعابات شیعه عبارت بودند از: کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، واقفیه و دوازده امامی. فرقه های نام برده منشعب شده در اندک زمانی منقرض

55 - حسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، چاپ اول، طهران، مؤسسه چاپ و نشر، 1990م، ج2، ص459 و 460.

56 - ابوالحسن علی بن عیسی ابوالفتح اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت، بی نا، 1981م، ج1، ص155.

57 - علامه سیدمحمدحسین طباطبایی؛ شیعه در اسلام، صص 29 تا 31.

58 - ابوالعباس احمدبن علی بن احمدبن عباس النجاشی الاسدی الکوفی، رجال نجاشی، تحقیق موسی شبیری زنجانی، چاپ پنجم، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، 1416ق، ص12.

شدند، جز فرقه زیدیه و اسماعیلیه که هم اکنون در بعضی مناطق زندگی می کنند.<sup>۵۹</sup> شیعه دوازده امامی می گفتند: خلافت اسلامی که البته ولایت باطنی و پیشوایی معنوی لازم لاینفک آن است، از آن علما و اولاد علی علیه السلام است که به موجب تصریح خود پیامبر اکرم(ص) و سایر ائمه اهل بیت دوازده تن می باشند. و می گفتند: تعلیمات ظاهری قرآن که احکام و قوانین شریعت می باشند و در عین حال که به حیات معنوی کامل نیز مشتملند، دارای اصالت و اعتبارند و تا قیامت فسخ بردار نیستند و این احکام و قوانین را از راه اهل بیت باید به دست آورد و بس.<sup>۶۰</sup>

اولین نکته ای که باعث جدایی جریان «شیعه» از بقیه مسلمین شد، دیدگاه خاصی بود که شیعه نسبت به مسأله «امامت علی(ع)» داشت. این مسأله از ناحیه تشیع به عنوان «امر الهی» بود و همین موجب شد که مسأله از حالت سیاسی صرف خارج گردیده، در یک محدوده «اعتقادی» مطرح شود. بعدها که علی(ع) به ظاهر با دستگاه خلافت کنار آمد، این مسأله تنها در محدوده یاران خاص او مطرح بود. وقتی شرایط سیاسی به مردم فهماند که تنها علی(ع) است که کارآیی لازم برای اداره جامعه دارد، آنها به سراغ او آمدند و با او بیعت کردند. بیعت آنها به معنای بیعت با خلیفه بود نه بیعت با یک امام به مفهوم شیعی آن. در عین حال، گروهی نیز بنا به مفهوم حدیث غدیر، علاوه بر یک بیعت که به همراهی عموم مردم داشتند، یک بیعت «اختصاصی» نیز با او کردند، و خود را دوستان دوست او و دشمن دشمنان او، تلقی کردند. طبری این مطلب را تنها با همین مفهوم متذکر شده است.<sup>۶۱</sup>

ما در این رساله قصد بررسی شیعیان دوازده امامی را داریم، در نتیجه منظور ما از شیعه همان شیعه دوازده امامی است.

## مناطق شمالی ایران

59- علامه سیدمحمدحسین طباطبایی؛ شیعه در اسلام، ص 60 و 61

60- همان، ص 68

61- رسول جعفریان؛ تاریخ تشیع در ایران، چاپ دوم، 1369، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بی جا



در این پژوهش مناطق شمالی شامل مناطق جنوبی دریای خزر می باشد که استانهای گیلان، مازندران و گلستان را در بر می گیرد.

### بررسی عوامل رونق و عدم رونق فعالیتهای آموزشی

هر سازمانی برای دستیابی به اهداف خود، ناگزیر از داشتن یک برنامه منسجم آموزشی است. به نظر می رسد که ارکان اصلی یک نهاد آموزشی عبارت باشند از:

- 1- فضا و امکانات آموزشی مانند کتابخانه، کاغذ، چاپ؛
- 2- متون و مواد درسی؛
- 3- نیروی انسانی متخصص و ماهر؛
- 4- رفاه نسبی و تأمین معاش آموزش دیدگان و آموزش دهندگان؛
- 5- اهداف آموزشی؛
- 6- امنیت.<sup>62</sup>

بنابراین لازم است در بررسی عوامل رونق یا رکود آموزشی به این ارکان هم توجه داشته باشیم. در جریان بررسی رشد و توسعه و یا افول و مرگ یک نهاد فرهنگی ممکن است علت یا علت‌های گوناگون دخالت داشته باشند. اوج یا افول و فروپاشی به لحاظ علمی، اخلاقی و کنشی هم در خصوص اشخاص و هم اجتماعات و مراکز و نهادها قابل طرح است. کلمه شکوفایی در یک نهاد در مواردی به کار برده می شود که آن نهاد توانسته باشد به رسالت‌های اجتماعی خود عمل کند و از همه نیروها و استعداد‌های نهفته اعضای خود بهره ببرد و در فراز و فرودهای جامعه و نوسانهایی تند و تیز آن از نقش خود دور نماند و از مسیر طبیعی خود خارج نشود. در عین حال نیز این توانایی را داشته باشد که سازوکاری نظام مند خود را با اجزای

---

62- دکتر مهدی فرمانیان و حمزه علی بهرامی، اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان، فصلنامه علمی- تخصصی سخن تاریخ، سال پنجم ش 14، پاییز 1390، ص 31

دیگر دستگاه و عناصر وابسته و به هم پیوسته که با هماهنگی کاری را پیش می‌برند، حفظ کند. واژه افول و انحطاط در یک نهاد نیز در مواردی به کار برده می‌شود که آن نهاد جایگاه و درونمایه و ماده حرکت خود را از دست بدهد و از عهده نقشی که بر عهده آن گذاشته شده است بر نیاید و نتواند به مثابه یک الگو باشد.<sup>۶۳</sup>

نهادهای علمی و به تعبیر دیگر جامعه علمی بخشی از جامعه است. به همین جهت در عین حال که ویژگی‌های خاص خود را دارد، از شرایط گوناگون و پیچیدگی‌های کل جامعه متأثر می‌گردد. بنابراین در بررسی رشد علم و بحث آموزش در جامعه نباید به بررسی خود نهادهای علمی یا برخی عوامل بیرونی اکتفا کرد؛ بلکه با دید جامع‌تر باید به آن نگریست. به علاوه بررسی روش‌های موجود در آموزش و ارزیابی قوانین و برنامه‌های نهاد آموزشی، تأثیرات دیگر نهادها و فرهنگ کل جامعه نیز روی رشد آموزش مورد توجه قرار گیرد.<sup>۶۴</sup>

محمد قدیر دانش عوامل تأثیرگذار روی نهاد آموزش را به سه دسته تقسیم کرده است: عوامل درونی و عوامل بیرونی که عوامل بیرونی خود به عوامل مربوط به نهاد آموزش و جامعه علمی و آموزشی و عوامل مربوط به فرهنگ و جامعه وسیع‌تر تقسیم می‌گردد.<sup>۶۵</sup> وی پس از تقسیم بندی به توضیح نسبتاً مفصل درباره هر یک پرداخته که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

1- عوامل درونی؛ منظور ایده‌ها، رویکردها و روشهای موجود در علم و حاکم بر آن است. برخی روشها و رویکردها در علم، موجب شکوفایی و توسعه آن می‌گردند و برخی دیگر نیز مانند غل و زنجیری که علم را از درون می‌خکوب می‌کنند. برای مثال رویکرد اشعری‌گری، ظاهرگرایی، اخباری‌گری، انسداد باب اجتهاد از اموری هستند که می‌توان به عنوان بازدارنده‌های درونی توسعه علم در جهان اسلام نام برد.

63 - غلامرضا جلالی، پروسه رواج و زوال حوزه های علمی شیعه، حوزه، شماره اول، ش 145، فروردین و اردیبهشت 1387، ص 47 و 48.

64 - محمد قدیر دانش، عوامل و زمینه‌های رشد علم، حوزه، ش اول و دوم، ش 159 و 160، بهار و تابستان 1390، ص 254.

65 - همان، ص 257.

2- عوامل مربوط به نهاد علم؛ علم به عنوان یک نهاد اجتماعی، گروه‌بندی، ساخت و فرهنگ خاص خود را دارد که چگونگی آن می‌تواند عامل کلیدی در رشد یا رکود علم باشد. دانشمندان و اهل علم که اعضای این نهاد خاص هستند، مجموعه‌ای پیچیده از ارزشها و هنجارها را دارا هستند. این هنجارها در حکم نسخه‌ها، توصیه‌ها، ترجیحات و امور مجاز به شمار می‌آیند که می‌توانند روی علم تأثیر جدی بگذارند. اخلاقیات موجود در میان اهل علم، چگونگی سازمان آموزش، روابط اساتید و شاگردان، نوع قشربندی و مسئله تحرک اجتماعی در میان اهل علم، روابط مراکز علمی و داد و ستد علمی میان آنها از اموری هستند که به عنوان عوامل درونی نهاد علم می‌توان نام برد. جذب استعدادها، درخشان، متفکران و دانشمندان برجسته - که عوامل ذهنی رشد علم به شمار می‌آیند - در یک نظام علمی و فراهم کردن زمینه رشد و فعالیت آنان، از ویژگیهای یک نظام علمی خوب و موفق به شمار می‌آید.

3- عوامل بیرون از نهاد علم؛ از مهم‌ترین عوامل بیرونی مؤثر بر علم، فرهنگ عمومی جامعه است که بر دانشمندان، استادان، دانش‌پژوهان و کل جامعه علمی احاطه دارد. علم، همچون یک کنش اجتماعی، مبتنی بر ارزشهای فرهنگی است که معانی ذهنی آن را تشکیل می‌دهند و هنجارهای مربوط به ساختار نهاد علم، از ارزشهای فرهنگی جامعه کلی تأثیر می‌پذیرند. به بیان دیگر ساختار هنجاری نهاد علم حاصل انتقال ارزشهای اجتماعی گسترده‌تر به جامعه علیم است. هرچند که این انتقال بیش‌تر آگاهانه صورت نمی‌گیرد و بیش‌تر حاصل تأثیر نامحسوس فرهنگ بر اندیشمندان است. بنابراین نهاد علم را نمی‌توان مجزا و مستقل از ساختار کلی اجتماعی - فرهنگی محسوب نمود.<sup>۶۶</sup>

به طور کلی نظریات رونق و عدم رونق آموزش در ایران اسلامی را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد. در اینجا هر دو نظریه (رشد و افول) بیان شده است و در ادامه به بررسی آنها و تطبیق در دوره زمانی

<sup>66</sup> - همان، تلخیص از صص 258 تا 261.

مورد بحث می پردازیم. نظریات بیشتر از دید جامعه شناسی مسائل آموزش و پرورش را بررسی کرده است که در نتیجه موجب پیدایش شاخه جدیدی با نام جامعه شناسی آموزش و پرورش شده است.

## 1- جامعه شناسی آموزش و پرورش

به مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر در پیشرفت و عقب ماندگی آموزشی می پردازد. چون آموزش و پرورش ایجاد دگرگونی های مطلوب با توجه به تحول های همان جامعه است و هدف عمده اش برآوردن احتیاج های اجتماعی آن جامعه باید باشد. در جامعه شناسی آموزش و پرورش تأثیر آموزش در خصوصیت های اخلاقی، اجتماعی و رفتاری انسان بررسی می گردد، هم چنین به رابطه محیط طبیعی و اجتماعی و فرهنگی با آموزش توجه می گردد و این نکته را که روش آموزش شهری و روستایی باید با یک دیگر تفاوت داشته باشد، مورد بررسی قرار می دهد. هم چنین مسأله سیاست را که در هدف های آموزشی تأثیر بسیار دارد و این مطلب را که کشورهایی که برنامه آموزشی آن ها را کشورهای بیگانه تعیین می کنند، در فقر آموزشی به سر خواهند برد، مورد مطالعه قرار می دهد.

زیرا خوب می دانیم که اگر مسایل آموزش و پرورش جامعه ای از جنبه های اجتماعی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و با جنبه های اجتماعی جوامع دیگر مقایسه گردد تا تعیین گردد که در چه درجه ای از پیشرفت قرار دارد این گونه بررسی را مطالعه تطبیقی در جامعه شناسی آموزش و پرورش می گویند و یا اگر بخواهیم بدانیم که از چه راه و به چه طریق باید اجتماع موجود را اصلاح کرد تا به پیشرفت و رفاه اجتماعی رسید و در نهایت عدالت اجتماعی را تأمین کرد، برای این منظور جامعه شناسی مجبور است به نهاد آموزش و پرورش از جنبه های مختلف توجه داشته باشد. بدیهی است که برنامه ریزی در هر یک از زمینه ها موقعی

صحیح تحقق خواهد پذیرفت که بر پایه آموزش و پرورش صحیح متکی باشد. بدیهی است که مطالعه در این مورد و اخذ تصمیم‌های مناسب در هر جامعه بر عهده جامعه شناسی آموزش و پرورش است<sup>۶۷</sup>.

نظریه اصلی که در اینجا به آن پرداخته می‌شود نظریه کارکردگرایی است. فرض اصلی این نظریه این است که جامعه و نهادهای موجود در آن مثل آموزش و پرورش اجزای به هم پیوسته ای هستند که هر یک نقش مهم و ضروری در حفظ بقای کل جامعه ایفا می‌کند.<sup>۶۸</sup> این نظریه از دید جامعه شناسی به بحث آموزش و پرورش می‌پردازد. جامعه شناسان، عموماً، معتقدند که نخستین بار امیل دورکیم، جامعه شناس فرانسوی، در اواخر قرن نوزدهم، ضرورت رویکرد جامعه شناختی در مطالعه آموزش و پرورش را مطرح ساخت. وی تدریس آموزش و پرورش در دانشگاه سوربن (Sorbonne) را با این مضمون آغاز کرد که آموزش و پرورش را از دیدگاه یک جامعه شناس مورد توجه قرار می‌دهد، زیرا آموزش و پرورش از لحاظ ماهیت، منشأ و کارکرد، کاملاً امری اجتماعی (Social Fact) است. در نتیجه، نظریه آموزش و پرورش بیش از هر علمی، به جامعه‌شناسی مربوط می‌شود.

دورکیم دریافت که آموزش و پرورش در زمان‌ها و مکان‌های مختلف اشکال متفاوتی داشته است و این نشان می‌دهد که نمی‌توان نظام آموزشی را از جامعه جدا و متمایز کرد. زیرا جامعه و آموزش و پرورش منعکس کننده یکدیگرند. دورکیم همیشه بر این تأکید داشت که آموزش و پرورش در هر زمان و مکانی پیوند نزدیکی با دیگر نهادها و باورها و ارزش‌های موجود دارد. به عقیده وی تغییرات آموزشی همیشه نتیجه و علامت تغییرات اجتماعی هستند. به عبارت دیگر به موازات تغییر جامعه، آموزش و پرورش نیز تغییر می‌کند.<sup>۶۹</sup>

---

67- دکتر محمدحسین فرجاد، اصول و مبانی جامعه شناسی (تقسیم بندی جامعه شناسی)، [www.jawananebedaar.nl](http://www.jawananebedaar.nl)

23 آذر 1389

68- محمود شارع پور؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، سمت، 1387، چاپ پنجم، ص 19 و 20

69- همان، ص 24 و 25

## 2- رشد آموزش در دوره اسلامی

از آنجا که بحث ما حول محور اسلام است و قصد بررسی رشد آموزش در این دوره را داریم، بجاست که علت گرایش مسلمانان به مطالعات علمی از دیدگاههای مختلف توضیح داده شود.

### 2-1- نظریه انتقال علمی و برخورد فرهنگی

علم، سیمایی جهانی دارد و اندیشه‌ها و آرای مختلف علمی، از راه داد و ستد فکری در سراسر جهان جریان می‌یابند. هرچند نظریه انتقال منابع اولیه بعضی از عناصر نظام علمی را آشکار می‌کند. اما توسعه علمی تنها از انتقال این عناصر به دست نمی‌آید و نیازمند انگیزه‌ها ارزش‌ها و فضای فرهنگی - اجتماعی بومی است.

براساس نظریه انتقال که بیشتر بر تأثیر یونانی تأکید دارد، فعالیت‌های علمی در دوره اسلامی، تداوم میراث باستانی یونان بود که از راه نهضت ترجمه به مسلمانان منتقل شد. آثار دانشمندان مسلمان، تقلیدی از آراء، نظریه‌ها، روش‌ها و فنون یونانی و اسکندرانی است و در آنها ابتکار، نوآوری و تقدم وجود ندارد. برخی دیگر به نقش انتقال آثاری، آراء و نظریه‌های ایرانی تأکید می‌کنند و توسعه علمی دوره اسلامی را نتیجه تداوم فعالیت‌های مدارس و مکاتب دوره ساسانی و به ویژه مدرسه جندی‌شاپور و ترجمه آثار علمی از زبان فارسی به زبان عربی می‌دانند. 70

در مورد اقتباس از فرهنگ یونان برخی نظر دیگری دارند. به نظر این افراد از آنجا که فرهنگ اسلام دارای حیات و نشاط و خلاقیت است، در برخورد با فرهنگ جدید و علم جدید قدرت‌گزینش داشته و بخشهایی از آن را بر اساس زمینه‌های معرفتی و دیگر نیازهای خود انتخاب می‌کند. فرهنگ اسلام در دوران

---

70- سید محمد امین قانع‌ی راد، جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران، چاپ اول، تهران، 1379، انتشارات مدینه، ص 45

اقتدار و شکوفایی سده‌های نخستین، علم یونانی و به تعبیری علوم اوایل را به همین سان اقتباس کرد. دنیای اسلام به دلیل قدرت گزینش، در مصرف علوم اوایل نخست آنکه: تلاش کرد که دانشهایی را برگزیند که با بنیانهای معرفتی فرهنگ اسلامی یعنی هستی‌شناسی توحیدی، معرفت‌شناسی عقلی و انسان‌شناسی دینی سازگار باشد و به همین دلیل از ترجمه بخش عظیمی از این میراث که مشتمل بر اساطیر یونان بود روی بازگرداند و تنها بخش عقلانی آن را منتقل ساخت. دیگر اینکه: در هنگام انتقال به بازخوانی مجدد آن پرداخت و مسیر پرتحرک حکمت و فلسفه اسلامی را به وجود آورد.<sup>۷۱</sup>

## 2-2- تأثیرهای روش‌شناسی معرفت دین

در تمدن اسلامی برای درک حقیقت دینی دو رویکرد اصالت نقل اهل حدیث و حنابله و اصالت عقل معتزله و فلاسفه در تقابل با یکدیگر قرار داشتند. صوفیه و اهل تأویل نیز از تجربه امر منقول و خرد رازآمیز با عقل تأویلی سخن گفتند که رویکرد دینی آنها را نیز می‌توان در دو قطب اخباریگری و عقل‌گرایی قرار داد.<sup>72</sup> وقتی علوم اسلامی می‌شود که عقل مانند نقل حجت دینی باشد. اگر عقل حجت دینی است و حکم دین را می‌رساند؛ پس محصول عقلی، به معنای وسیع آن که شامل علوم طبیعی، انسانی، ریاضی و فلسفه می‌شود، مطالب دینی را می‌رساند نه آنکه بیگانه و متمایز از دین باشد.<sup>۷۳</sup>

71 - محمد قدیر دانش، همان، ص 272.

72 - همان، ص 48

73 - عبدالله جوادی آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، چاپ چهارم، قم، نشر اسراء، 1386، ص 16.